

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

2008/06/19

غولک تزویر

جنگ و جدل و دست و گریبانه گمشکو
مشت و لگد و ، کله و دندانه گمشکو
پیشقبض و قمه ، چاقو و هم خردم و خنجر
خشت و کلوخ و سنگ و پلخمانه گمشکو
تیر و سپر و ، نیزه و سیلاوه و شمشیر
گرز و تبر و چکش و سندان گمشکو
از غولک تزویر همه خاین ملی
خمپاره و بم ، راکت و هاوانه گمشکو
(ربانی) و (گیلانی) و (گلبدین) و (سیاف)
دیو و دد و بدکاره و شیطان گمشکو
هر بیشه میهن که پر از (داکتر) و (استاد)
(دیپلوم) و (پروفیسر) نادانه گمشکو
از (خلقی) و از (پرچی) و (غیره و غیره)
(راست) و (چپ) و هم بالا و پایانه گمشکو
(قانونی) و (مسعود) و (فهمیم) ، (اتمر) و (خرم)
ننگ وطن و ملت ، افغانه گمشکو
بد (وردک) نامردک ترسو گک لنگک
جاسوسک بدجنسک ناخوانه گمشکو
خونخور (مزاری) و (خلیلی) گک نامرد
بد میر غضب و ، وحشت زندانه گمشکو

نا(صالح) و، نا(ثابت) و، نا(مقبل) بژدل
 بدکاره و ، بدزاده و ، کشخانه گمشکو
 (صبغت) که (مجدد) ، به عقب داره گرایش
 آن آهن زنگیده بطلانه گمشکو
 (دوستم) به سر اسپ جنایت شده بالا
 قمچین زدن و ، مستی و جولانه گمشکو
 هم رهن و هم رهبر و هم مفسد فی الارض
 این طایفه فاقد وجدانه گمشکو
 هم جانی و هم قاتل و هم تاجر دینی
 از منبر تفریق ، خدایانه گمشکو
 در داخل شورا که ، نه نظم و نه دسپلین
 لنگوته و ، پیزار فراوانه گمشکو
 پیراهن و تنبان و چین ، ریشک و پشمک
 بزغاله و گوساله پرستانه گمشکو
 قوچ جنگی و، هم بونده جنگی وکیلان
 مرغان کلنگی ریبسانه گمشکو
 در دعوت رسمی ، یخن چرک وزیران
 بوی بغل گنده ایشانه گمشکو
 بدماش بد اندیشه بدخور ملیشا
 دیوانه زنجیری، دورانه گمشکو
 دزدان سرگردنه ، در چور و چپاول
 مارشالک و جنرال و قوماندانه گمشکو
 بازور شده ، غصب زمینهای وطندار
 شورا و سنا ، قانون و ، فرمانه گمشکو
 چشمک کدن(کرزی) و دمبک زدن(بوش)
 رقص و ، اتن و ، قرسک و ، میدانه گمشکو
 چون قیر سیه ، صفحه تاریخ وطن گشت
 بقال سیاستگر و ، دُکانه گمشکو
 از فقر شده ملت بیچاره علف خور
 گرگانی به تن ، جامه چوپانه گمشکو
 هر عالمه و عالم دینی ، پی تفریق
 اسلام اگر اینست ، مسلمانانه گمشکو
 باریش گره خورده و ، با چادر و با شال
 آرایش و ، پیرایش ، هرآنه گمشکو
 زیرا که شده ، کاسبه و ، کاسب دینی
 دلاله و ، دلال بد ایمانه گمشکو

«نعمت» قلم و واژه نقد تو ، به جولان
صاحب رقم ـ بُزدل و ترسانه گمشکو